

رابطه بین شبکه‌های اجتماعی و اعتماد نهادی؛ مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه شیراز

خلیل‌اله سردارنیا* ID استاد علوم سیاسی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

کوروش بدری ID دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

سینا امینی‌زاده ID دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

چکیده

پرسش اصلی پژوهش آن است که چه رابطه‌ای میان اعتماد به شبکه‌های اجتماعی و منابع اعتماد اجتماعی با اعتماد نهادی در بین دانشجویان وجود دارد؟ فرضیه اصلی آن است که اعتماد به شبکه‌های اجتماعی سایبری (فیس بوک، توئیتر و غیره) بر عوامل اعتماد اجتماعی همچون خانواده، هویت ملی و مذهبی و اعتماد نهادی اعم از نهادهای حاکمیتی و نهادهای مدنی تأثیر معناداری می‌گذارد. این پژوهش با روش پیمایشی انجام شده است. یافته کلی آن است که در قالب معادلات ساختاری، ۲۸٪ درصد از متغیر وابسته یعنی اعتماد نهادی توسط اعتماد به شبکه اجتماعی (متغیر مستقل) و عوامل یا منابع اعتماد اجتماعی همچون خانواده، هویت ملی و هویت دینی به عنوان متغیرهای کنترل یا واسطه‌ای تبیین گردیدند. اعتماد به شبکه‌های اجتماعی در حد ۲۶ درصد بر کاهش اعتماد به عوامل اعتماد اجتماعی بویژه هویت ملی تأثیر گذاشته و این کاهش اعتماد اجتماعی نیز باعث کاهش اعتماد نهادی عمدتاً در سطح نهادهای حاکمیتی-حکومتی شده است. در بین مؤلفه‌های عوامل اعتماد اجتماعی، هویت ملی بیشترین تأثیر منفی با ۲۳٪ را از شبکه‌های اجتماعی گرفته است. در بین مؤلفه‌های اعتماد نهادی، اعتماد به نهادهای حکومتی بصورت غیرمستقیم بیشترین تأثیر منفی را با ۱۴٪ از شبکه‌های اجتماعی گرفته است.

واژگان کلیدی: شبکه اجتماعی مجازی، اعتماد نهادی، اعتماد اجتماعی، اعتماد سیاسی، دانشگاه شیراز.

* نویسنده مسئول: kh_sardamia@yahoo.com

مقدمه

اعتماد نهادی به‌عنوان جزئی از دایره اعتماد اجتماعی است که به معنی اعتماد و پذیرش عمومی نسبت به نهادها در دو حیطه حاکمیتی (نظام سیاسی و نهادهای حاکمیتی) و نهادهای مدنی است. بدون شک، ارتقای اعتماد شهروندان به نهادهای حاکمیتی و مدنی می‌تواند بر ایجاد انسجام و همکاری بین شهروندان و نهادهای حکومتی و مدنی، کاهش فاصله و شکاف بین آنها، گسترش درگیرشدگی و مشارکت شهروندان در پوی‌های سیاسی و تقویت پشتوانه و مشروعیت مردمی نهادها بسیار مفید و موثر باشد. اعتماد مردم و شهروندان از جایگاه بسیار بالا و راهبردی در مشارکت سیاسی نهادمند، ایجاد دولت-ملت واقعی و نهادینه کردن مشروعیت حکومت و نهادها برخوردار است. بدون اعتماد، نهادها در دو سطح حاکمیتی و مدنی و حکومت، فاقد بنیان موثر برای جلب همکاری شهروندان بوده و احتمالاً با نافرمانی مدنی مواجه می‌شوند. مفاهیمی همچون اعتبار، اعتماد، مشارکت و مشروعیت سیاسی از تشکیل دهنده‌های مهم مولفه‌های «قدرت نرم»^۱ هر کشور هستند.

دانشگاه به‌مثابه قلب تپنده تحول اجتماعی در جوامع مدرن است و دانشجویان نیز به‌مثابه یکی از مهم‌ترین نیروهای اجتماعی اثرگذار بر جامعه هستند. از آنجا که دانشجویان به‌مثابه نیروی اجتماعی تحول‌ساز، یک «گروه مرجع»^۲ مهم برای پیوند و ارتباط بین مردم و نهادهای حکومت و مدنی هستند لذا شناخت و واکاوی متغیرهای تاثیرگذار اجتماعی و ارتباطی و سایر متغیرها بر میزان اعتماد نهادی و ارائه راهبردها برای تقویت سطح اعتماد نهادی از اهمیت بالایی برخوردار است. اگر اعتماد و باور این کنشگران مهم اجتماعی، بررسی و آسیب‌شناسی نشود و راهبردهایی برای تقویت و رفع این مسائل ارائه نشود طبعاً مردم سالاری و رکن جمهوریت نظام با چالش‌های جدی مواجه می‌گردد. بدون جلب اعتماد این کنشگران اجتماعی و شهروندان، حکومت و نهادهای حکومتی نمی‌توانند کارکردهای خود را ایفا کرده و با کژکارکردی مواجه می‌شوند؛ در نهایت سبب بی‌کارکردی و سلب مشروعیت عملکردی و سیاسی می‌شوند.

1. Soft Power
2. Reference Group

ما در «موج سوم ارتباطات» یا عصر انقلاب ارتباطات و اطلاعات، حیات خود را سپری می‌کنیم، اینترنت به عنوان ابررسانه و شبکه‌های اجتماعی سایبری به شکل ژرف بر حیات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی جوامع تاثیر گذاشته‌اند، شاید بتوان گفت که هیچ جنبه از حیات بشری در جوامع مدرن از تاثیرات آنها مصون و بی‌تاثیر باقی نمانده بوده است. اعتماد مردم و شهروندان به حکومت و نهادهای مدنی و حاکمیتی و مشروعیت نظام سیاسی متأثر از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی است. هدف از انجام این پژوهش، بررسی رابطه و نوع تاثیر شبکه‌های اجتماعی اینترنتی مانند فیس بوک، یوتیوب، فلیکر و غیره بر اعتماد دانشجویان به نهادهای حکومتی و مدنی چه به طور مستقیم یا غیرمستقیم با وارد کردن متغیرهای واسطه‌ای اجتماعی مانند هویت ملی و مذهبی و خانواده‌ها است. پرسش اساسی آن است که چه رابطه‌ای میان اعتماد به شبکه‌های اجتماعی سایبری به واسطه‌گری عوامل اعتماد اجتماعی و اعتماد نهادی در بین دانشجویان وجود دارد؟ این پژوهش با روش پیمایشی - کمی و با تکنیک جمع‌آوری داده‌ها به صورت پرسشنامه بسته انجام شده که جامعه آماری تحقیق، دانشجویان کنونی شاغل به تحصیل در دانشگاه شیراز در سطوح کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری هستند.

پیشینه پژوهش

صمد عدلی پور و همکارانش (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با روش پیمایشی «تأثیر استفاده از شبکه اجتماعی فیس‌بوک بر اعتماد و مشارکت سیاسی جوانان تبریز» را بررسی کرده‌اند. یافته‌های این تحقیق حاکی از تایید رابطه بین عضویت، میزان استفاده و نوع استفاده از فیس‌بوک و مشارکت سیاسی جوانان است، اما این مطالعه به رابطه فیس‌بوک و اعتماد نهادی در سطوح نهادهای حاکمیتی و مدنی نپرداخته است.

مهديه صالحی، (۱۳۹۲) در پایان‌نامه خود، «رابطه بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی با اعتماد سیاسی در بین جوانان شهر زنجان» را بررسی کرده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که اعتماد سیاسی مردم در حد متوسط (۵۸ درصد) است و شبکه‌های اجتماعی مجازی بر اعتماد سیاسی تاثیر معناداری داشته‌اند. اما در این مطالعه، عمدتاً اعتماد سیاسی در سطح کلی حکومت و بدون تفکیک نهادهای مختلف حکومتی مورد توجه بوده و اعتماد به نهادهای مدنی بررسی نشده است (صالحی، ۱۳۹۲).

عطاعلی عباس زاده، (۱۳۹۳) در پایان‌نامه خود، نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی در سیاست را بررسی کرده است. این مطالعه به صورت نظری و با ارائه مصادیقی از تاثیر شبکه‌ها بر پویای سیاسی در حوزه عمومی در تعدادی از کشورهای جهان و منطقه خاورمیانه انجام شده است. حمید عبدالهیان و محمدرضا زهرایی (۱۳۹۷) در یک مطالعه جامعه‌شناختی، تاثیر اینستاگرام بر اعتماد اجتماعی و سرمایه اجتماعی را بررسی کرده‌اند اما اعتماد به نهادهای حکومتی را مد نظر نداشته‌اند.

فانزه مصلحی نیک و ابراهیم حاجبانی (۱۳۹۶) در یک مقاله مشترک، «تاثیر فضای مجازی بر همدلی اجتماعی دانشجویان» را بررسی کرده‌اند. در این مطالعه، عمدتاً همدلی اجتماعی به عنوان مولفه سرمایه اجتماعی به تاثیر از شبکه‌های اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است و اعتماد نهادی بررسی نشده است.

در حوزه مطالعات به زبان انگلیسی، وایتا شرکان و همکارانش در مقاله‌ای، «مساله اعتماد در شبکه‌های اجتماعی» را در سه جنبه بررسی کرده‌اند که عبارتند از: اعتماد به نحوه جمع‌آوری اطلاعات، ارزیابی اعتماد و انتشار اعتماد (Sherchan, et al: 2013). یافته‌های مطالعه فردریک والتر و تیمو کاتونن در مقاله‌ای با عنوان «اعتماد، شبکه‌های اجتماعی و توسعه سازمانی» نشان می‌دهد که هر اندازه شرکت‌ها توسعه و رشد می‌کنند، نوع اعتماد از شکل شخصی به سمت اعتماد سازمانی و نهادی تغییر می‌کند (Welter & Kautonen, 2005).

سونجا گرابنر کروتز در مقاله‌ای، نتیجه بررسی خود را در اعتماد به شبکه‌های اجتماعی بیان کرده است؛ شبکه‌های اجتماعی بر خط محبوبیت زیادی به دست آورده‌اند، صدها میلیون نفر از کاربران شبکه‌های اجتماعی مقدار زیادی اطلاعات شخصی را در محیط وب قرار می‌دهند که عمدتاً از استانداردهای امنیتی و روش‌های امنیتی محروم هستند. او پس از بررسی آسیب‌شناسانه موضوع اعتماد، در نهایت چندین پیشنهاد برای افزایش اعتماد به شبکه‌های اجتماعی ارائه می‌دهد (Grabner-Kräuter, 2009).

جهانگیری و سردارنیا، در مقاله‌ای به زبان انگلیسی با عنوان «استفاده و اعتماد به رسانه‌ها: نوع حکومت‌داری و اعتماد سیاسی» با روش پیمایشی و مقایسه‌ای، میزان اعتماد سیاسی دانشجویان دانشگاه شیراز به تاثیر از نوع حکمرانی و استفاده از شبکه‌های اجتماعی سایبری را بررسی کرده‌اند. نتیجه این تحقیق بیانگر ارتباط مثبت میان استفاده

دانشجویان از رسانه‌های داخلی و اعتماد به محتوای آن‌ها و اعتماد سیاسی بر دولت و نهادهای سیاسی است. همچنین یک ارتباط منفی و معکوس بین استفاده از اینترنت و کانال‌های ماهواره‌ای و اعتماد سیاسی دیده شد. نوع ارزیابی دانشجویان از شاخص‌های حکمرانی مانند شفافیت، خدمات‌رسانی، مسئولیت‌پذیری، پاسخگویی و غیره نیز بر اعتماد سیاسی تاثیر معناداری داشته‌اند (Jahangiri & Sardarnia, 2016). با وجود این مطالعات ارزشمند، انجام این پژوهش به دلایلی همچون تفاوت در متغیر وابسته یعنی تاثیرپذیری اعتماد نهادی از نوع سیاسی - حاکمیتی و مدنی از شبکه‌های اجتماعی سایبری، لحاظ متغیرهای واسط اجتماعی مانند هویت مذهبی، ملی و خانواده، چارچوب نظری متفاوت و تفاوت در جامعه آماری، ضروری به نظر می‌رسد.

چارچوب نظری پژوهش

رابطه شبکه‌های اجتماعی با اعتماد سیاسی - نهادی

اعتماد به مثابه هسته محوری یا جوهره سرمایه اجتماعی است، مولفه‌های بیرونی آن را شبکه‌ها یا نهادها و مجامع اجتماعی داوطلبانه، مشارکت و همکاری‌ها در درون و بین این شبکه‌ها تشکیل می‌دهند. اعتماد سیاسی به حکومت و نهادهای سیاسی از نشانگان مهم مشروعیت سیاسی است، این مفهوم به باور، اطمینان و اعتماد مردم یا شهروندان به حکومت، نهادهای حکومتی و مسئولان یا مدیران اطلاق می‌شود. میزان و سطح اعتماد سیاسی و نهادی تابعی از عملکرد حکومت یا نحوه حکمرانی در سطوح سیاسی، اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی با طیف گسترده‌ای از شاخص‌هاست. اعتماد سیاسی عبارت از: میزان پذیرش و باور افراد به نهادهایی است که آنها را نمایندگی می‌کنند و این امر بر مشروعیت سیاسی حکومت تاثیر می‌گذارد. کاهش اعتماد در کوتاه‌مدت نمی‌تواند به تضعیف قابل توجه مشروعیت سیاسی انجامد اما در بلندمدت می‌تواند تاثیرگذار باشد و مشروعیت حکومت را با خطر مواجه سازد (Donovan, et.al, 2007: 1).

به تعبیر کاستلز در جهان امروز، سیاست بر بال رسانه‌ها می‌چرخد لذا رسانه‌ها از قدرت نمادین بالا در شکل‌دهی به باورها، نگرش‌ها، افکار عمومی و رفتارهای سیاسی و مدنی برخوردارند. اعتماد سیاسی نیز می‌تواند با درجات گوناگون در کشورها و ساختارهای سیاسی گوناگون متاثر از این عامل باشد. البته میزان تاثیر رسانه‌ها بویژه

رسانه‌های فراملی و سایبری به تبع نوع حکمرانی (خوب یا بد) و خروجی عملکردی حکومت و ادارات و نهادهای حکومتی متفاوت خواهد بود. شبکه‌های اجتماعی یا سایبری نیز بسته به محتوای اطلاعاتی و چالشی در بستر نوع عملکرد نهادهای حکومتی و مدنی نیز بر اعتماد سیاسی و نهادی بسیار تاثیرگذار بوده‌اند. امروزه جنگ نرم رسانه‌ای با محوریت کانال‌های ماهواره‌ای و فضای سایبری اینترنتی نیز به درجات گوناگون بر میزان اعتماد سیاسی مردم به حکومت‌ها و نهادهای سیاسی تاثیر منفی داشته است. در عصر حاضر که عصر انفجار اطلاعات و دهکده جهانی نام گرفته و شهروندان به شدت از آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی برخوردارند، حکومت‌ها به شدت با چالش‌ها و اضافه بار تقاضاها و نقدهای شهروندان مواجه شده‌اند. در صورت عدم تحقق و پاسخ مطلوب حکومت به خواسته‌ها و مطالبات، مشروعیت سیاسی و اعتماد شهروندان به حکومت و مدیران آسیب می‌بیند و احتمالاً به نافرمانی مدنی و جنبش‌ها یا اعتراضات جمعی می‌انجامد.

امروزه اینترنت و شبکه‌های اجتماعی با کارکرد انتشار خبری و تحلیلی در سریع‌ترین زمان، حکومت‌ها را با چالش‌های جدی مواجه می‌سازند. اینترنت و شبکه‌های اجتماعی با انتشار اخبار و اطلاعات بدون سانسور در ارتباط با موارد نقض حقوق بشر، حکمرانی بد و ناپاسخگو، فساد و سوء استفاده حکومت‌ها از قدرت، فاصله‌گیری نهادهای مدنی و احزاب و حکومت‌ها از مردم و مواردی از این دست می‌توانند سبب ایجاد چالش‌های جدی، بی‌اعتمادی و سلب مشروعیت از حکومت‌ها و نهادهای مدنی و حکومتی شوند (Sardarnia & Safizadeh, 2017: 3). علاوه بر آن، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی از ظرفیت بسیار بالا برای ایجاد هویت‌های جمعی در شکل جنبش‌های اجتماعی، فعالان مدنی و سیاسی و سازمان‌های مردم‌بنیاد برخوردار هستند که می‌توانند اعتماد به نهادهای مدنی کاذب و نهادهای حاکمیتی را به چالش بطلبند. با برقراری ارتباط و تبادل اطلاعات و باورها در فضای سایبرنتیکی است که هویت‌های فردی و گروهی در بستر باورهای مشترک می‌توانند جنبش اجتماعی را تشکیل دهند (Diani, 2001: 121). علاوه بر آن، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی با کارکرد شبکه‌سازی و ایجاد ائتلاف می‌توانند برای شکل‌گیری افکار عمومی منتقد و چالشگر، بی‌اعتمادسازی شهروندان و افکار عمومی به نهادهای حکومتی، نهادهای مدنی منحرف شده، احزاب و تشکل‌های سیاسی استفاده

شوند. در دیدگاه دیانی و دلاپورتا، افراد در صورتی به یک جنبش اجتماعی اعتراضی و چالشگر می‌پیوندند که شبکه جنبش بتواند بین آن فرد و سایر افراد پیرامون مسائل خاصی پیوند، همدلی و حساسیت مشترک ایجاد کند یا افراد را مستعد و علاقمند به شرکت در کنش جمعی سازد (Diani, & Dellaporta, 1999: 113).

بررسی اجمالی چند نظریه در ارتباط با اعتماد نهادی

آنتونی گیدنز از جامعه‌شناسان برجسته و صاحب‌نظر در ارتباط با منابع و کانال‌های اجتماعی اعتماد اجتماعی است. از دید گیدنز، رسانه نوین و مدرنیزاسیون بر تمام منابع اطلاعاتی و هویت انسان‌ها در ابعاد گوناگون تاثیر گذاشته و به سمت بازاندیشی سوق داده است (گیدنز، ۱۳۷۷). هویت ملی و مذهبی در هر دوره تاریخی به تاثیر از ویژگی‌های آن دوره، تغییر و تحول یافته است، امروز به تاثیر از موج سوم انقلاب ارتباطات، گسترش شبکه‌های اجتماعی، مدرنیزاسیون پرشتاب و عوامل تحول‌ساز دیگر، هویت‌ها بسیار بیشتر از گذشته دچار دگرذیسی و تحول شده‌اند. احساس هویت بواسطه تعامل میان فرد و جامعه شکل می‌گیرد، هویت در نگرش و احساسات افراد تجلی می‌یابد. در واقع، زندگی جمعی، بستر و زمینه شکل‌گیری هویت است، هویت اجتماعی نمود یافته در شخصیت افراد جدا از دنیای اجتماعی آنان معنایی ندارد (یاکوبسن، ۱۹۹۸). اما در عصر کنونی که عصر انقلاب ارتباطات و اطلاعات و شبکه‌های اجتماعی سایبری است، بر خلاف گذشته که فرد از طریق سنت هویت می‌یافت انسان‌ها و شهروندان تا حد زیادی به شکل مستقل از تعلق‌های سنتی تعریف می‌شوند (هال، ۱۹۹۶). رسانه‌های ارتباطی جدید بر شکل و ماهیت هویت‌یابی و اعتماد شهروندان و مردم تاثیر ژرفی گذاشته‌اند.

آنتونی گیدنز، بین پایه‌های اعتماد در جوامع سنتی و مدرن از یک طرف و اعتماد اجتماعی و اعتماد نهادی از طرف دیگر، تمایز قائل می‌شود. در جوامع سنتی چهار زمینه محلی اعتماد به ترتیب عبارتند از: نظام خویشاوندی، اجتماع محلی، دین و سنت. این چهار بنیاد اعتماد سنتی در دوران مدرن تحت تأثیر سه نیروی بزرگ و پویای مدرنیت جدایی زمان و مکان، مکانیسم‌های از جا کنده‌گی و بازاندیشی نهادی، نیروهای تأثیرگذاری خود را از دست داده‌اند. رسانه‌های نوین تمامی ویژگی‌های دوران مدرن را دارا هستند، سیل اطلاعاتی که به سمت افراد سرازیر می‌شود هر روز

موجب جایگزین اطلاعات جدید در افراد و بازاندیشی در آنها می‌شود. افراد در دنیای مدرن چاره‌ای جز اعتماد به مکانیسم‌ها ندارند و ماهیت نهادهای مدرن به شکل ژرفی به مکانیسم‌های اعتماد به نظام‌های انتزاعی بویژه نظام‌های تخصصی وابسته هستند که اینها به نوبه خود بر منابع محلی و سنتی اعتماد، تاثیر منفی می‌گذارند. از این رو اعتماد یا عدم اعتماد به نظام‌های انتزاعی خاص در معرض تأثیر شدید از تجارب ما در نقاط دسترسی و همچنین دانش‌های روزی قرار دارند که از طریق رسانه‌های جمعی و منابع دیگر در دسترس آدم‌های عادی و نیز متخصصان فنی قرار می‌گیرند. اهمیت اعتماد نهادی از این روست که هیچ‌کسی نیست که بتواند از نظام‌های تخصصی دخیل در نهادهای مدرن کاملاً دوری گزیند. به طور خلاصه، اعتماد به نظام‌های نهادی تخصصی تحت تأثیر «طرز رفتار مجریان نظام»، «اطمینان به دانش یا مهارت‌ها»، «تجارب ما از نقاط دسترسی» و همچنین «دانش‌هایی که از طریق رسانه‌های ارتباطی به ما می‌رسند» قرار دارد (حیدری، ۱۳۹۳: ۸۹ - ۹۰).

دیدگاه‌های روزستین و استول نیز در بررسی منابع اعتماد نهادی در این پژوهش استفاده شده است. از نظر این دو اندیشمند، وجود اعتماد تعمیم‌یافته نشان‌گر آمادگی بالقوه شهروندان جهت همکاری و مشارکت باهم و انجام فعالیت‌های مدنی است. نگرش‌های مربوط به اعتماد تعمیم‌یافته، فراتر از مرزهای تعامل رودررو، خویشاوندی، دوستی و آشنایی هستند. برداشت‌های افراد از نهادهای سیاسی کارآمد، عادل و منصف بر اعتماد تعمیم‌یافته افراد مؤثر است. نهادهای دولتی تنها در صورتی از اعتماد مردمی برخوردار می‌شوند که شهروندان آنها را قابل اعتماد و کارآمد بدانند. اگر شهروندان بدانند که این نهادها به طور منصفانه و کارآمد عمل می‌کنند، می‌توانند به آنها اعتماد و باور داشته باشند (منصوریان و قدرتی، ۱۳۸۸: ۱۹۷)؛ آنها چهار مکانیسم علی تبیین ویژگی‌های نهادی و اعتماد تعمیم‌یافته را به صورت زیر مشخص می‌کنند: الف- عدالت و کارآمدی نهادی بر برداشت فرد از امنیت خود تأثیر می‌گذارد. به عبارت دیگر ترس از دیگران موجب بی‌اعتمادی به آنها می‌شود؛ ب- عدالت و کارآمدی نهادها، تعیین‌کننده برداشت فرد نسبت به حافظان منافع عمومی است. اگر نهادها مورد اعتماد نباشند، مردم نیز مورد اعتماد فرد نخواهند بود؛ پ- عدالت و کارآمدی نهادها، نگرش نسبت به رفتار شهروندان را شکل می‌دهد و

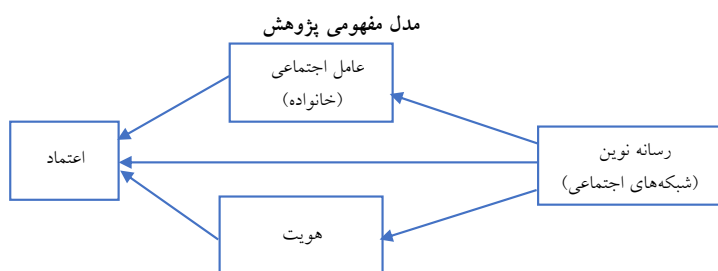
ت- نهادها ممکن است موجب تجربه تبعیض و بی‌عدالتی در شهروندان به هنگام تماس مستقیم با آنها شوند. بعنوان مثال نهادهای فاسد و ناعادل، موجب تجربه تبعیض و بی‌عدالتی می‌شوند که این به نوبه خود تأثیر منفی بر اعتماد تعمیم یافته می‌گذارد (منصوریان و قدرتی، ۱۳۸۸: ۱۹۸).

لاری دیاموند از نظریه پردازان مهم دموکراسی است که از زاویه اعتماد نیز به آن توجه کرده است. او در مطالعه پیمایشی در مورد چهار منطقه از جهان شامل کشورهای کمونیستی سابق، آسیای شرقی، افریقا و آمریکای لاتین به این نتیجه می‌رسد که راه تحکیم و تثبیت دموکراسی طولانی تر و پیچیده تر است و بسیاری از عوامل می‌توانند از سرعت آن کاسته یا آن را به عقب بازگردانند. در این میان کارایی و عملکرد رژیم‌های دموکراتیک در شکوفایی یا جلوگیری از رشد مشروعیت دموکراتیک و اعتماد اهمیت اساسی دارند. عملکردهای سیاسی و اقتصادی هر دو مهم هستند، اما عوامل سیاسی از اهمیت بیشتری برخوردارند. هر جا که مردم رضایت بیشتری از شیوه عملکرد دموکراسی داشته‌اند، بیشتر به نهادهای سیاسی اعتماد داشته‌اند و هر جا تصور می‌کنند که نظام دموکراتیک است، احتمالاً از دموکراسی حمایت خواهند کرد (دیاموند، ۱۳۸۴: ۱۸۱). رونالد اینگلهارت نیز نقش مهمی برای اعتماد، نگرش‌های دموکراتیک و تعهد عمومی به نهادهای دموکراتیک در پایداری و تکامل دموکراسی قائل است (اینگلهارت، ۱۳۷۲: ۲۶). به اعتقاد او پایداری نهادهای دموکراتیک به ویژگی‌های فرهنگی پایدار مانند رضایت از زندگی و اعتماد متقابل وابسته است. فرهنگ مدنی که با سه شاخص اعتماد به یکدیگر، رضایت از زندگی و حمایت از دگرگونی انقلابی شناخته می‌شود با تداوم نهادهای دموکراتیک پیوند محکمی دارد (علی پور، زاهدی، شیانی، ۱۳۸۸: ۱۱۵). زتومکا نیز همانند دو نظریه پرداز یاد شده، اعتماد را شرط ضروری برای مشروعیت و پایداری جامعه مدنی و دموکراسی تلقی می‌کند. مردم برای نیل به اهدافی که با تلاش شخصی‌شان قادر به دستیابی به آنها نیستند، باید به همدیگر ببینند که برای این نیازمند اعتماد نسبت به یکدیگر هستند (رستگار خالد و عظیمی، ۱۳۹۱: ۱۰۹).

رابرت پاتنام، از نظریه پردازان مهم علوم سیاسی بر این نظر است که هر چه سطح اعتماد در جامعه مدنی بیشتر باشد، احتمال همکاری هم بیشتر می‌شود و همکاری نیز به

نوبه خود، اعتماد را موجب می‌شود. منشأ اعتماد اجتماعی در جوامع مدرن عبارتند از: هنجارهای معامله متقابل و شبکه‌های مشارکت مدنی در قالب انجمن‌های مدنی و داوطلبانه (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۹۲). از دید وی، هر چه شبکه‌های مدنی انجمنی در جامعه‌ای متراکم‌تر باشد، احتمال بیشتری می‌رود که شهروندان بتوانند به یکدیگر اعتماد و در جهت منافع متقابل همکاری. اعتماد و هنجارهای معامله و تعهد متقابل را تقویت، ارتباطات را تسهیل می‌کنند و جریان اطلاعات و شناخت افراد از یکدیگر را برای اعتمادسازی بهبود می‌بخشند (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۹۳-۲۹۴).

کلاس اوفه، بر این باور است که میزان اعتماد، تابعی از کیفیات عملکرد نظام نهادی و قانونی است. نهادها واجد نوعی معنای هنجارآفرین و مقبولیت اخلاقی هستند که افراد را تشویق می‌کنند به هنجارها و ارزش‌هایی که این نهادها نمایندند آن هستند پایبند باشند و به افرادی قابل اعتماد مبدل شوند (قدرتی، ۱۳۸۷: ۷۷-۷۸). نیوتون معتقد است که کارآمدی نهادهای سیاسی و اجتماعی در حد واسط بین اعتماد اجتماعی افراد و اعتماد سیاسی است. سازمان‌های سیاسی - اجتماعی کارآمد، به ایجاد دولت کارآمد و مشروع یاری می‌رسانند. به نظر او سطوح بالای اعتماد اجتماعی می‌تواند با سطوح بالای اعتماد سیاسی همراه باشد اما حتمی و ضروری نیست. تصور یک دولت خوب بدون بنیادهای محکمی چون نهادهای کارآمد عمومی و خصوصی مشکل است (سردار نیا، قدرتی و اسلام، ۱۳۸۸: ۱۴۳-۱۴۴).



روش تحقیق

در این نوشتار روش تحقیق از نوع پیمایشی است. در تحقیق پیمایشی تلاش می‌شود از طریق اطلاعات حاصل از حجم نمونه مورد مطالعه و تعمیم اطلاعات حاصل شده از نمونه به کل جامعه آماری، اطلاعات دقیقی در مورد یک جامعه آماری کسب شود. این اطلاعات می‌تواند خطوط کلی مربوط به سن، طبقه، خانواده و ساخت جامعه را ترسیم کند (برنم و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۱۲). تکنیک مورد استفاده در این پژوهش از نوع پرسشنامه با ۵۹ گویه یا سنجه است. در تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار Spss و Amos در دو سطح توصیفی و استنباطی استفاده شده است. جامعه آماری این تحقیق را کلیه دانشجویان شاغل به تحصیل در دانشگاه شیراز (۸۸۵۰ مرد و ۷۸۷۶) با حجم نمونه ۳۰۰ نفری تشکیل می‌دهند که تا پایان سال تحصیلی ۱۳۹۶-۱۳۹۷ مشغول به تحصیل بوده‌اند. حجم نمونه با فرمول کوکران به دست آمده است. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای استفاده شده است. جداول آماری دانشجویان به تفکیک جنسیت، مقطع تحصیلی و گروه تحصیلی ترسیم شده است. در جامعه آماری، چهار گروه تحصیلی علوم انسانی و هنر، علوم پایه، فنی مهندسی، کشاورزی و دامپزشکی در سه مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری مورد مطالعه قرار گرفتند.

تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

شبکه‌های اجتماعی! در تئوری‌های کلاسیک، شبکه‌های اجتماعی سنتی به مجموعه‌ای از نهادهای اجتماعی متشکل از مردم و سازمان‌ها گفته می‌شدند که با مجموعه‌ای از روابط معنی‌دار اجتماعی، ارزش‌ها و باورهای مشترک به یکدیگر مرتبط می‌شوند. شکل سنتی شبکه‌های اجتماعی بر دوستی‌ها و روابط چهره به چهره متمرکز بودند اما اکنون در جامعه مجازی بر ارتباطات کامپیوتری و سایبری متمرکز هستند. شبکه‌های اجتماعی اینترنتی همانند فیسبوک، تویتر، یوتیوب و غیره، پایگاه یا مجموعه پایگاه‌هایی هستند که امکانی فراهم می‌آورند تا کاربران بتوانند علاقه‌مندی‌ها، افکار و فعالیت‌های خودشان را با دیگران به اشتراک بگذارند و

دیگران هم در این افکار و فعالیت‌ها با آنان سهیم می‌شوند. یک شبکه اجتماعی، مجموعه‌ای از سرویس‌های مبتنی بر وب است که این امکان را برای اشخاص فراهم می‌آورد که توصیفات عمومی یا خصوصی برای خود ایجاد کنند یا با دیگر اعضای شبکه ارتباط برقرار کنند، منابع خود را با آن‌ها به اشتراک بگذارند و از میان توصیفات عمومی دیگر افراد، برای یافتن ارتباط‌ها و پیوندهای جدید استفاده کنند (معمار؛ عدلی پور و خاکسار، ۱۳۹۱: ۱۵۸-۱۵۷).

میزان اعتماد به شبکه‌های اجتماعی (متغیر مستقل): عبارت است از اینکه چه مقدار به این شبکه‌ها و مطالب منتشر شده در این شبکه‌ها اعتماد وجود دارد. به این منظور ۴ گویه طراحی شد، منابع اجتماعی اعتماد (متغیر واسطه) متشکل از خانواده، هویت دینی و هویت ملی هستند. به این منظور ۱۸ سنجه طراحی شد.

اعتماد نهادی^۱ متغیر وابسته تحقیق است. اعتماد به معنی اعتقاد قوی به صداقت و خوبی شخص یا چیزی است (Jahangiri & Sardarnia, 2016: 21). اعتماد بین شخصی، اعتماد نهادی و اعتماد تعمیم‌یافته، ابعاد تشکیل دهنده اعتماد اجتماعی هستند. «اعتماد بین شخصی»، اعتماد میان افراد می‌باشد و به عبارتی اعتمادی است که شعاع آن به رابطه خانوادگی، خویشاوندی و همسایگی محدود می‌شود. «اعتماد نهادی» شامل اعتماد افراد به نهادها و سازمان‌های رسمی و غیررسمی است و اعتماد تعمیم‌یافته نیز اعتماد افراد در سطح گسترده‌تر از نهادها و فراتر از مرزهای قومی، منطقه‌ای و حتی ملی است. اعتماد نهادی می‌تواند به عنوان اعتماد به نظام یا بازتابی از مشروعیت متصور شده از حکومت، صلاحیت فنی و توانایی کارآمد سازمان‌های حکومتی برای انجام وظایف مربوطه‌شان در نزد مردم و اذهان یا باورهای آنان تعریف شود (حیدری، محمدی و باقری، ۱۳۹۶: ۱۵۸). منظور از اعتماد نهادی، اعتماد به نهادهای سیاسی و نهادهای مدنی است به این منظور ۳۷ سنجه در شکل کمی اندازه‌پذیر و کیفی برای سنجش متغیر وابسته طراحی شد.

روایی^۱ و پایایی^۲ تحقیق

روایی یا اعتبار تحقیق از نوع صوری است که با مشورت اساتید و متخصصان علوم اجتماعی و سیاسی به عنوان داور تامین شده است. برای دستیابی به پایایی مورد قبول از دو روش انجام پیش‌آزمون با نمونه ۳۰ نفره و استفاده از آماره آلفای کرونباخ، همسان‌سازی گویه‌ها و سازگاری درونی پرسشنامه استفاده شده است. داده‌های جدول ذیل، نشان دهنده ضریب آلفای قابل قبول و بالابرای متغیرهای مستقل، واسطه و وابسته هستند.

جدول ۱: پایایی متغیر مستقل

عنوان سنجه	تعداد گویه	مقدار ضریب آلفا
اعتماد به شبکه‌های اجتماعی و محتوای شبکه‌ها	۱۲	۰/۶۲۳
خانواده	۵	۰/۸۴۹
هویت دینی	۶	۰/۸۴۷
هویت ملی	۷	۰/۸۴۷
اعتماد به نهادهای سیاسی	۹	۰/۸۹۸
اعتماد به نهادهای مدنی	۷	۰/۸۹۰

یافته‌های آماری توصیفی تحقیق

در این تحقیق، مردها با فراوانی ۱۶۲ نفر، ۶۲/۵ و زن‌ها با تعداد ۹۷، ۳۷/۵ درصد از حجم نمونه مورد مطالعه را تشکیل می‌دهند. ۸۱/۱ پاسخ‌گویان متولد شهر و ۱۸/۹ متولد روستا هستند. ۹۰/۳ پاسخ‌گویان، مجرد و ۹/۷ متأهل هستند. از حیث قومیت، بیشترین را قومیت فارس با ۶۶/۸ درصد و بقیه به ترتیب از قوم ترک ۱۲/۷، لر ۱۱/۶، کرد ۵/۸، عرب و بلوچ هر کدام ۱/۵ درصد از پاسخ‌گویان را تشکیل می‌دهند. از حیث مقطع تحصیلی، دانشجویان کارشناسی ۶۶/۴، کارشناسی ارشد ۲۲/۴ و دانشجویان دکتری ۱۱/۲ درصد از حجم نمونه را تشکیل می‌دهند. از حیث گروه‌های تحصیلی، بیشترین درصد از

1. Validity
2. Reliability

پاسخ‌گویان را فنی - مهندسی ۴۳/۲، علوم انسانی ۴۲/۵ و پس از آن کشاورزی و دامپزشکی ۱۴/۳ از حجم نمونه تشکیل می‌دهند.

جدول ۲: توزیع پراکندگی متغیرهای تحقیق

متغیر	تعداد	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف از معیار	کشیدگی	چولگی
خانواده	۲۵۹	۵	۲۵	۱۴/۶۲	۴/۴۱	-۰/۰۱	-۰/۴۱
هویت دینی	۲۵۹	۶	۳۷	۲۱/۸۴	۵/۷۴	-۰/۹۰	۰/۵۵
هویت ملی	۲۵۹	۷	۳۵	۲۳/۷۷	۶/۱۶	-۰/۳۷	-۰/۳۹
اعتماد به نهادهای سیاسی	۲۵۹	۹	۴۱	۲۴/۳۹	۶/۸۸	-۰/۱۶	-۰/۲۰
اعتماد به نهادهای مدنی	۲۵۹	۷	۳۵	۲۰/۱۳	۵/۸۳	-۰/۱۹	-۰/۰۵
اعتماد به شبکه‌های اجتماعی	۲۵۹	۵	۱۹	۱۲/۰۷	۲/۰۹	-۰/۱۸	۱/۰۳

بر اساس داده‌های جدول شماره ۲، از آنجا که میزان کشیدگی و چولگی داده‌ها بین بازه ۲- تا ۲ می‌باشد می‌توان گفت که متغیرهای پژوهش از توزیع نرمال آماری پیروی می‌کنند.

یافته‌های آماری استنباطی

آزمون تک‌متغیره فرضیه‌ها

برای آزمون فرضیه‌های مربوط به متغیرهای فاصله‌ای از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. ضریب همبستگی پیرسون شاخصی است که نوع، جهت، مقدار و میزان رابطه را نشان می‌دهد. مقدار یا میزان این شاخص بین +۱ و -۱ متغیر است، تفاوت این مقدار در جهت رابطه آن‌ها است، به این معنا که -۱ رابطه معکوس و +۱ رابطه مستقیم را نشان می‌دهد (یوسفی، ۱۳۹۳: ۴۷ - ۴۸). برای معنی‌دار شدن رابطه، ضریب معناداری باید زیر ۰/۰۵ باشد.

جدول ۳: آزمون ضرایب همبستگی متغیر مستقل و متغیرهای وابسته

معناداری	ضریب همبستگی	متغیرهای مستقل و وابسته
۰/۲۰۰	-۰/۰۸۰	فرضیه ۱: اعتماد به شبکه‌های اجتماعی و اعتماد به نهادهای سیاسی
۰/۲۴۲	۰/۰۷۳	فرضیه ۲: اعتماد به شبکه‌های اجتماعی و اعتماد به نهادهای مدنی
۰/۰۳۴	-۰/۱۳۲	فرضیه ۳: اعتماد به شبکه‌های اجتماعی و اعتماد به کلیت نهادها

داده‌های جدول ۳ نشان می‌دهند که رابطه معکوس یا منفی بین دو متغیر اعتماد به شبکه‌های اجتماعی و اعتماد به نهادهای سیاسی وجود دارد اما به خاطر اینکه ضریب معناداری بالاتر از ۰/۰۵ است؛ لذا این رابطه معنادار نیست و فرضیه ۱ رد می‌شود (ضریب همبستگی $-0/080$ و ضریب معناداری $0/200$). در توضیح این رابطه باید گفت که هر چه قدر میزان اعتماد به اطلاعات و باورهای انتشار یافته و انتقال داده شده در شبکه‌های اجتماعی سایبری- اینترنتی مانند فیسبوک، یوتیوب و غیره بالاتر باشد میزان اعتماد به عملکرد، صداقت و پاسخگویی نهادهای سیاسی یا حکومتی کاهش می‌یابد و بالعکس. گرچه فرضیه و پیش‌بینی در شکل منفی تایید شده اما به خاطر عدم معناداری رد می‌شود. عدم تایید معناداری رابطه به لحاظ آماری از یک سو به این معنی است که در جهان اجتماعی به خاطر پیچیدگی‌ها و چندوجهی بودن روابط نمی‌توان پدیده‌ها یا متغیرهای وابسته را با تقلیل‌گرایی به یک عامل و رابطه ساده علی- معلولی تقلیل داده و بسنده کرد اما منفی بودن رابطه حاکی از قابل‌تامل بودن تاثیر اعتماد به شبکه‌های اجتماعی است، شبکه‌ها میزان اعتماد به نهادهای حاکمیتی را تحت تاثیر قرار داده و از این موضوع می‌توان به عنوان نشانگان اولیه بحران مشروعیت عملکرد نهادهای حکومتی و حکومت تلقی کرد. از سوی دیگر، می‌توان گفت که دخالت متغیرهای کنترل اجتماعی مانند هویت ملی و مذهبی و میزان استحکام و ریشه‌داری آنها و نوع رابطه حکومت با این متغیرها مانع از تشدید بی‌اعتمادی به نهادهای حکومتی به تاثیر از شبکه‌های اجتماعی سایبری می‌شوند. در ضمن، فعال بودن شبکه‌های اجتماعی سایبری متعلق به نهادهای حکومتی و نیز بهبود عملکرد حکومت به خاطر پیامدهای منفی مشروعیتی ناشی از نقش‌آفرینی منفی

شبکه‌های اجتماعی سایبری نیز می‌تواند سبب کاهش تاثیرگذاری منفی آنها بر اعتماد عمومی مردم به نهادهای حکومتی می‌شود.

طبق جدول ۳، داده‌ها نشان می‌دهند که رابطه بین اعتماد به شبکه‌های اجتماعی اینترنتی و اعتماد به نهادهای مدنی، مثبت است به این معنی که هر چه قدر اعتماد به شبکه‌های اجتماعی بالاتر باشد به همان نسبت، اعتماد به نهادهای مدنی بر خلاف نهادهای سیاسی و حکومتی، افزایش می‌یابد اما با این وجود، رابطه معناداری بین دو متغیر اعتماد به شبکه‌های اجتماعی و اعتماد به نهادهای مدنی وجود ندارد (ضریب همبستگی ۰/۰۷۳ و ضریب معناداری ۰/۲۴۲) بنابراین فرضیه ۲ رد می‌شود. وجود رابطه مثبت اما غیرمعنادار آماری بین اعتماد به شبکه‌های اجتماعی و نهادهای مدنی برخلاف نهادهای حکومتی، حاکی از همسو بودن نسبی محتوای انتقادی هر دو نوع متغیر در ارتباط با عملکرد نهادهای حکومتی است اما غیر معناداری رابطه را می‌توان در دخالت متغیرهای کنترل مانند خانواده‌ها و نوع باورها و میزان ریشه‌داری هویت‌های مذهبی و ملی دانست که کاملاً مطیع و معتقد محض به شبکه‌های اجتماعی سایبری نباشند.

طبق جدول ۳، داده‌ها نشان می‌دهند که رابطه معکوس بین دو متغیر اعتماد به شبکه‌های اجتماعی و اعتماد به نهادها اعم از نهادهای سیاسی یا حکومتی و نهادهای مدنی وجود دارد؛ (ضریب همبستگی ۰/۱۳۲- و ضریب معناداری ۰/۰۳۴) و این رابطه معنادار است. بنابراین فرضیه تایید می‌شود. بر این اساس، هرچقدر اعتماد به شبکه‌های اجتماعی اینترنتی افزایش یابد، به همان نسبت اما در جهت عکس، میزان اعتماد به نهادهای حاکمیتی - سیاسی و مدنی کاهش می‌یابد و بالعکس.

جدول ۴: آزمون ضرایب همبستگی متغیر مستقل و متغیرهای واسطه (کنترل)

معناداری	ضریب همبستگی	متغیرهای مستقل و واسطه
۰/۳۰۶	-۰/۰۶۴	اعتماد به شبکه‌های اجتماعی و خانواده
۰/۰۷۰	-۰/۱۱۳	اعتماد به شبکه‌های اجتماعی و هویت دینی
۰/۰۰۰	-۰/۲۵۸	اعتماد به شبکه‌های اجتماعی و هویت ملی

داده‌های جدول ۴ (ضریب همبستگی ۰/۰۶۴- و ضریب معناداری ۰/۳۰۶) نشان می‌دهد که رابطه معکوسی بین دو متغیر اعتماد به شبکه‌های اجتماعی (متغیر مستقل) و خانواده (متغیر واسطه) وجود دارد به این معنی که افزایش سطح اعتماد به شبکه‌های

اجتماعی اینترنتی باعث کاهش اعتماد و باور به خانواده می‌شود و بالعکس اما به خاطر عدم معناداری، این رابطه تایید نمی‌شود. گرچه متغیر شبکه‌های اجتماعی بر شکل‌گیری تزلزل‌های اولیه نسبت به خانواده‌ها و ایجاد تمایلات استقلال‌جویانه در دانشجویان از خانواده‌ها تاثیر می‌گذارد اما استحکام‌ها و ریشه‌داری سنتی خانواده‌ها از یک سو و عدم سوگیری مستقیم شبکه‌ها به خانواده‌ها در مقایسه با حکومت سبب شده که نوع رابطه منفی بین این دو متغیر، شدید و معنادار نباشد اما در عین حال به عنوان یک نشانه منفی و آسیب‌شناسانه باید تلقی کرد که توجه بیش از پیش به استحکام خانواده‌ها را می‌طلبد.

داده‌های جدول ۴ نشان می‌دهد (ضریب همبستگی ۰/۱۱۳- و ضریب معناداری ۰/۰۷۰) رابطه معکوسی بین دو متغیر اعتماد به شبکه‌های اجتماعی (متغیر مستقل) و هویت دینی (متغیر واسطه) وجود دارد؛ به این معنی که افزایش سطح اعتماد به شبکه‌های اجتماعی اینترنتی باعث کاهش اعتماد و باور به هویت دینی می‌شود و بالعکس؛ اما به خاطر عدم معناداری، این رابطه تایید نمی‌شود. همچنان که در ارتباط با متغیر واسطه خانواده گفته شد، گرچه متغیر شبکه‌های اجتماعی و اشاعه اولیه هویت‌های مدنی و تا حدی سکولار بر شکل‌گیری تزلزل‌های اولیه نسبت به هویت دینی تاثیر می‌گذارد اما استحکام‌ها و ریشه‌داری تاریخی درازمدت دین و نهادهای دینی و علما به عنوان یگ گروه مرجع مهم در ایران سبب شده که نوع رابطه منفی بین این دو متغیر، شدید و معنادار نباشد لذا از آن به تضعیف شدید هویت مذهبی در ایران تعبیر نکرد اما در عین حال به عنوان یک نشانه منفی و آسیب‌شناسانه باید تلقی کرد که توجه بیش از پیش به هویت دینی و عوامل اخلاص‌گر در مبانی هویت مذهبی را می‌طلبد.

داده‌های جدول ۴ نشان می‌دهد (ضریب همبستگی ۰/۲۵۸- و ضریب معناداری ۰/۰۰۰) که رابطه معکوسی بین دو متغیر اعتماد به شبکه‌های اجتماعی (متغیر مستقل) و هویت ملی (متغیر واسطه) وجود دارد؛ یعنی ضریب همبستگی ما برابر با ۰/۲۵۸- و ضریب معناداری ما برابر با ۰/۰۰۰ است که معناداری بسیار بالا است و لذا این رابطه تایید می‌شود. به این معنی که با افزایش میزان اعتماد به شبکه‌های اجتماعی اینترنتی، احساسات ملی کاهش می‌یابد و با کاهش اعتماد به شبکه‌های اجتماعی، احساسات ملی افزایش می‌یابد. معناداری بسیار بالای رابطه بین این دو متغیر مستقل و واسطه حاکی از تاثیرپذیری منفی احساسات مردمی و دانشجویان از جنگ نرم رسانه‌ای با محوریت شبکه‌های

اجتماعی سایبری است، این شبکه‌ها با محتواهای انتقادی تر سبب شده‌اند به مرور زمان، احساسات ملی گرایانه تضعیف شوند لذا این پدیده منفی نیز بایستی به طور جد و آسیب‌شناسانه مورد توجه قرار گیرد.

آزمون نظریه با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری

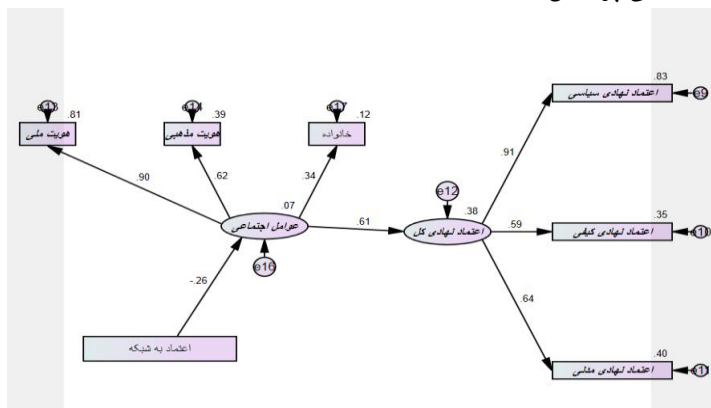
بنا به مدل‌سازی معادلات ساختاری، پرسش این است که آیا داده‌های تجربی گردآوری شده، مدل نظری را تایید می‌کنند یا خیر؟ به همین خاطر در این روش، تعدادی شاخص به‌عنوان شاخص برازش معرفی می‌شوند که نشان‌دهنده میزان همخوانی مدل نظری و داده‌های تجربی هستند. از نظر گروه متخصصان دانشگاه ایالتی کالیفرنیا شمالی، قضاوت درباره برازش مدل اگر صرفاً بر مبنای مربع کاسکوئر و سطح معنی‌داری باشد می‌تواند گمراه‌کننده باشد. پژوهشگر اغلب نیازمند توجه به شاخص خاص برازش برای تصمیم‌گیری نهایی است (قاسمی، ۱۳۹۲). شاخص مربع کاسکوئر (CMIN/DF) به‌عنوان یکی از شاخص‌ها برای قابل قبول بودن مدل است. شوماخر و لومکس مقادیر بین ۱ تا ۵ و حتی گاهی مقادیر بین ۱ تا ۳ و ۱ تا ۲ را قابل قبول دانسته‌اند، در این مدل مربع کاسکوئر بر درجه آزادی ۳/۵۱ است. شاخص دیگری که استفاده شده، برازش هنجار شده مقصد است، در این شاخص اغلب، مقادیر بالای ۰/۵۰ یا ۰/۶۰ را مناسب تلقی کرده‌اند (قاسمی، ۱۳۹۲). در این مدل نیز PCFI و PNFI نیز دارای مقادیر نزدیک ۰/۵۰ هستند که برای تدوین مدل قابل قبول است. شاخص بعدی، شاخص تطبیقی است، به این معنی که هر چه عدد به یک نزدیک‌تر باشد مدل تأیید می‌شود. در اینجا مثال CFI ۰/۹۲ است که نشان‌دهنده برازندگی بالای مدل است. سایر معیارهای برازش در جدول زیر آورده شده است.

جدول ۵: شاخص‌های برازندگی

شاخص برازش	CMIN/ DF	TLI	CFI	PCFI	PNFI	RMSEA	NFI	RFI	IFI	GFI
مقدار برازش	۳/۵۱۳	۰/۸۸	۰/۹۲	۰/۵۷	۰/۵۵	۰/۰۹	۰/۹۰	۰/۸۴	۰/۹۲	۰/۹۹

پایه اصلی مدل‌سازی معادلات ساختاری و تحلیل مسیر بر مبنای رگرسیون قرار دارد؛ برای این منظور معناداری ضریب هر رابطه تعریف شده در مدل مورد توجه قرار می‌گیرد. در خروجی Amos بخش دیگری از خروجی‌ها به معناداری این روابط رگرسیونی می‌پردازد، بنا به مدل مفهومی، یک رابطه علی ادعا شده است. البته مدل‌های تحلیل مسیر و معادلات ساختاری خود به چند دسته تقسیم می‌شوند. در واقع برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از طریق روش مدل‌یابی معادلات ساختاری و برای تحلیل مسیر، سه رویکرد در دسترس پژوهشگران است. رویکرد اول (Total Aggregation) تراکم‌سازی کلی نام دارد که در آن از نمره کل یک متغیر به‌عنوان نشانگر متغیر استفاده می‌شود. این رویکرد در ایران به نام «تحلیل مسیر» مشهور شده است. رویکرد دوم تراکم‌سازی جزئی (Partial Aggregation) نام دارد که از مؤلفه‌های پرسشنامه به‌عنوان نشانگرهای متغیر می‌شود. این رویکرد سوم نامتراکم‌سازی کلی (Total Disaggregation) نام دارد که از گویه‌های پرسشنامه به‌عنوان نشانگرهای متغیرهای متغیر استفاده می‌شود. Vieira, (2011). در این پژوهش، بر اساس رویکرد دوم یعنی تراکم‌سازی، جزئی است.

مدل نهایی پژوهش



در قالب معادلات ساختاری، ۳۸٪ از متغیر وابسته یعنی اعتماد نهادی توسط متغیرهای مستقل یعنی اعتماد به شبکه اجتماعی و متغیرهای واسطه‌ای عوامل اعتماد اجتماعی

(خانواده، هویت ملی و هویت دینی) تبیین گردیدند. رابطه علی در قالب معادلات ساختاری دارای ضرایب رگرسیون است که در جدول زیر آورده شده است.

جدول ۶: ضرایب مسیر

متغیر	برآورد	S.E	C.R	معنی داری	پتا
عوامل اعتماد اجتماعی → اعتماد به شبکه‌های اجتماعی	-۰/۶۷۹	۰/۱۷۴	-۳/۸۹۵	۰/۰۰۰	-۰/۲۵۸
اعتماد نهادی → عوامل اعتماد اجتماعی	۰/۶۹۷	۰/۰۹۵	۷/۳۶۸	۰/۰۰۰	۰/۶۱۳

همان‌گونه که اطلاعات جدول نشان می‌دهد تمام روابط فوق معنادار هستند. اعتماد به شبکه‌های اجتماعی دارای تأثیر منفی و معناداری بر عوامل اعتماد اجتماعی (هویت دینی، هویت ملی و خانواده) به صورت کلی دارد؛ همچنین عوامل اعتماد اجتماعی دارای تأثیر مثبت و معناداری بر اعتماد نهادی هستند.

جدول ۷: تأثیرات مستقیم

اعتماد به شبکه‌های اجتماعی	عوامل اعتماد اجتماعی	اعتماد نهادی
عوامل اعتماد اجتماعی	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
اعتماد نهادی	۰/۶۱۳	۰/۰۰۰
اعتماد به نهادهای مدنی	۰/۰۰۰	۰/۶۳۶
اعتماد به نهادهای به صورت کیفی	۰/۰۰۰	۰/۵۸۸
اعتماد به نهادهای سیاسی	۰/۰۰۰	۰/۹۱۴
خانواده	۰/۳۴۴	۰/۰۰۰
هویت ملی	۰/۸۹۸	۰/۰۰۰
هویت دینی	۰/۶۲۱	۰/۰۰۰

در تأثیر مستقیم نیز اعتماد به شبکه‌های اجتماعی دارای تأثیر منفی بر عوامل اعتماد اجتماعی است؛ همچنین عوامل اعتماد اجتماعی دارای تأثیر مثبت اعتماد نهادی هستند. مدل اندازه‌گیری خانواده و هویت ملی و هویت دینی در برازش جزئی دارای تأثیر مثبت

در سنجش عوامل اعتماد اجتماعی می‌باشد. همچنین اعتماد به نهاد سیاسی دارای بیشترین اهمیت نسبی در متغیر مکنون اعتماد است و بعد از اعتماد به نهادی مدنی و نهادها به صورت کیفی دارای بیشترین اهمیت نسبی می‌باشند. اعتماد در شکل کیفی به معنی کیفیت عملکردی نهادها است که تا چه اندازه در قالب قانونمندی، پاسخگویی، فسادناپذیری، عدم تبعیض و کارآمدی است.

جدول ۸: تأثیرات غیرمستقیم

اعتماد به شبکه‌های اجتماعی		عوامل اعتماد اجتماعی	
اعتماد اجتماعی	عوامل اعتماد اجتماعی	اعتماد نهادی	اعتماد اجتماعی
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	عوامل اعتماد اجتماعی
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	-۰/۱۵۸	اعتماد نهادی
۰/۰۰۰	۰/۳۹۰	-۰/۱۰۰	اعتماد به نهادهای مدنی
۰/۰۰۰	۰/۳۶۱	-۰/۰۹۳	اعتماد به نهادها به صورت کیفی
۰/۰۰۰	۰/۵۶۰	-۰/۱۴۴	اعتماد به نهادهای سیاسی
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	-۰/۰۸۹	خانواده
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	-۰/۲۳۱	هویت ملی
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	-۰/۱۶۰	هویت دینی

آنچه در اینجا مهم است تأثیر منفی شبکه‌های اجتماعی بر تمام متغیرهاست. همچنین عوامل اعتماد اجتماعی به صورت کلی دارای رابطه مثبت مؤثری با ابعاد اعتماد نهادی دارند.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش، نگارندگان به دنبال تبیین میزان و سطح باورمندی و اعتماد نهادی در بین دانشجویان اعم از نهادهای حاکمیتی - سیاسی و مدنی با استفاده از متغیر مستقل میزان دسترسی، محتوا و میزان باور و اعتماد به شبکه‌های اجتماعی در فضای سایبری بودند. اما در راستای نشان دادن تفاوت‌های بین جوامع، در این پژوهش تلاش شد که میزان اثرگذاری شبکه‌های اجتماعی بر اعتماد نهادی با وارد کردن متغیرهای واسطه‌ای اجتماعی یعنی متغیرهای اعتماد اجتماعی سنتی مانند خانواده، هویت ملی و دینی تبیین گردد.

نتایج و یافته‌های تحقیق حاکی از این هستند که در دانشجویان جامعه آماری تحقیق، نقش متغیرهای اجتماعی یاد شده مهم بوده‌اند و در راستای پرهیز از مطلق‌گرایی در جوامع انسانی، نباید تاثیر متغیرهای اجتماعی و ملی نادیده گرفته شوند. به اجمال، مهمترین یافته‌های پژوهش عبارتند از: همبستگی منفی و معکوس بین اعتماد به شبکه‌های اجتماعی مجازی و اعتماد به نهادهای سیاسی یا حاکمیتی نهادی تایید شد اما به لحاظ آماری معنادار نبود. در توضیح این رابطه باید گفت که هر چه قدر میزان اعتماد به اطلاعات و باورهای انتشار یافته و انتقال داده شده در شبکه‌های اجتماعی سایبری - اینترنتی مانند فیس‌بوک، یوتیوب و غیره بالاتر باشد میزان اعتماد به عملکرد، صداقت، پاسخگویی و سایر مولفه‌های مطلوب نهادهای سیاسی یا حکومتی کاهش می‌یابد و بالعکس. رابطه بین اعتماد به شبکه‌های اجتماعی اینترنتی و اعتماد به نهادهای مدنی، مثبت دیده شد به این معنی که هر چه قدر اعتماد به شبکه‌های اجتماعی بالاتر باشد به همان نسبت، اعتماد به نهادهای مدنی بر خلاف نهادهای سیاسی و حکومتی، افزایش می‌یابد اما با این وجود، رابطه معناداری بین دو متغیر اعتماد به شبکه‌های اجتماعی و اعتماد به نهادهای مدنی دیده نشد. رابطه معکوس بین دو متغیر اعتماد به شبکه‌های اجتماعی و اعتماد به نهادها به صورت کیفی و کلی اعم از نهادهای سیاسی یا حکومتی و نهادهای مدنی دیده شد و این رابطه معنادار بود؛ بنابراین فرضیه تایید می‌شود. بر این اساس، هرچقدر اعتماد به شبکه‌های اجتماعی اینترنتی افزایش یابد، به همان نسبت اما در جهت عکس، میزان اعتماد به نهادهای حاکمیتی - سیاسی و مدنی کاهش می‌یابد و بالعکس. همین‌طور همبستگی و رابطه معکوس بین اعتماد به شبکه‌های اجتماعی و متغیرهای واسطه‌ای اجتماعی (خانواده، هویت ملی و دینی) حاصل شد که تنها در مورد هویت ملی، به لحاظ آماری معنادار دیده شد. به این معنی که با افزایش میزان اعتماد به شبکه‌های اجتماعی اینترنتی، احساسات ملی کاهش می‌یابد و با کاهش اعتماد به شبکه‌های اجتماعی، احساسات ملی افزایش می‌یابد. در قالب معادلات ساختاری، ۳۸٪ از متغیر وابسته یعنی اعتماد نهادی توسط متغیرهای مستقل یعنی اعتماد به شبکه اجتماعی و متغیرهای واسطه‌ای عوامل اعتماد اجتماعی (خانواده، هویت ملی و هویت دینی) تبیین گردیدند.

در این نوشتار، در توضیح رابطه‌های آماری بین متغیر مستقل یعنی شبکه‌های اجتماعی با متغیرهای وابسته و واسطه از بیان صرف داده‌ها و نتایج آماری رابطه‌ها بین متغیرها پرهیز شد و چرایی رابطه‌ها نیز توضیح داده شدند. در یک بیان و نتیجه‌گیری کلی باید خاطر نشان کرد به تاثیر از نقش آفرینی شبکه‌های اجتماعی، میزان اعتماد به نهادهای حاکمیتی تحت تاثیر قرار گرفته و آن را می‌توان به عنوان مسبب‌ها یا نشانگان اولیه بحران مشروعیت عملکرد نهادهای حکومتی و حکومت تلقی کرد. حکومت و نهادهای حکومتی، بایستی بهبود عملکردها و پاسخگویی به مردم و شهروندان را بیش از پیش مورد توجه قرار داده و در این ارتباط، سازوکارهای نظارتی نهادینه شده و فعالیت شوند. در عین حال باید گفت که ریشه‌داری نهاد خانواده و هویت مذهبی به عنوان متغیرهای کنترل سبب شده‌اند که تاثیر منفی شبکه‌های اجتماعی بر میزان اعتماد به نهادهای حکومتی شدید نباشد اما در صورت عدم توجه می‌تواند تشدید کننده باشد. گرچه متغیر شبکه‌های اجتماعی و اشاعه اولیه هویت‌های مدنی و تا حدی سکولار، بر شکل‌گیری تزلزل‌های اولیه نسبت به هویت دینی تاثیر می‌گذارد اما استحکام‌ها و ریشه‌داری تاریخی درازمدت دین و نهادهای دینی و علما به عنوان بگ گروه مرجع مهم در ایران سبب شده که نوع رابطه منفی بین این دو متغیر، شدید و معنادار نباشد و از آن به تضعیف شدید هویت مذهبی در ایران تعبیر نکرد. اما در عین حال از این رابطه می‌توان به عنوان یک نشانه منفی و آسیب‌شناسانه یاد کرد لذا توجه بیش از پیش، به هویت دینی و عوامل اخلاص‌گر در مبانی هویت مذهبی را می‌طلبد. معناداری بسیار بالای رابطه بین شبکه‌های اجتماعی سایبری و هویت ملی نشان می‌دهد که احساسات ملی‌گرایانه دانشجویان به تاثیر از محتواهای انتقادی شبکه‌های اجتماعی سایبری، جنگ نرم رسانه‌ای به مرور زمان تضعیف می‌شود لذا این مورد نیز به طور جد و آسیب‌شناسانه مورد توجه قرار گیرد.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

ORCID

Khalilollah Sardarnia 

Korosh Badri 

Sina Aminizade 

منابع

- اینگلهارت، رونالد، (۱۳۷۳)، *تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی*، ترجمه مریم وتر، تهران: کویر.
- برنم، پیتر و گیلاند، کارین و گرانت، وین و لیتون-هنری، زیگک، (۱۳۹۰)، *روش تحقیقی در علوم سیاسی*، ترجمه میترا راه‌نجات، چاپ اول، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- پاتنام، رابرت، (۱۳۸۰)، *دموکراسی و سنت‌های مدنی*، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران: سلام.
- حیدری، آرمان و محمدی، اسفندیار و باقری، شهلا، (۱۳۹۶)، «بررسی رابطه اعتماد نهادی با گونه‌های مشارکت سیاسی مورد مطالعه شهروندان بالای ۱۸ سال ساکن شهر شیراز»، *فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، تابستان، سال ششم، شماره ۲۳*.
- حیدری، آرمان، (۱۳۹۳)، «بررسی تأثیر نحوه عملکرد سازمان‌های رسمی بر اعتماد نهادی شهروندان (مورد مطالعه جوانان شهر یاسوج)»، *فصلنامه جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، زمستان، دوره دوم، شماره ۱*.
- دیاموند، لاری، (۱۳۸۴ الف)، «مردم دموکراسی را چگونه می‌بینند»، ترجمه منصور انصاری، *در مجموعه مقالات گذار به دموکراسی*، (به اهتمام حسین بشیریه)، چاپ دوم، تهران: نگاه معاصر.
- رستگار خالد، امیر، عظیمی، هاجر، (۱۳۹۱)، «بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با شهروندی دموکراتیک (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه تهران)»، *فصلنامه علوم اجتماعی*، دوره ۱۹، شماره ۵۸.
- رهبر قاضی، محمدرضا و مسعودنیا، حسین و صادقی نقدعلی، زهرا و پوره، امیرحسین، (۱۳۹۵)، «نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی در تمایل به مشارکت انتخاباتی و جهت‌گیری‌های سیاسی (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه‌های شهر اصفهان)»، *مجله پژوهش‌های ارتباطی، تابستان، سال بیست و سوم، شماره ۸۶*.

- سردارنیا، خلیل‌الله و قدرتی، حسین و اسلام، علیرضا، (۱۳۸۸)، «تأثیر حکمرانی خوب و سرمایه اجتماعی بر اعتماد سیاسی: مطالعه موردی شهرهای مشهد و سبزوار»، پژوهش‌نامه علوم سیاسی، زمستان، سال پنجم، شماره ۱.
- سردارنیا، خلیل‌الله، (۱۳۸۸)، «اثر سرمایه اجتماعی بر حکمرانی خوب»، فصلنامه سیاسی-اقتصادی، شماره‌های ۲۵۹ و ۲۶۰.
- صالحی، مهدیه، (۱۳۹۲)، بررسی رابطه استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی با اعتماد سیاسی در بین جوانان شهر زنجان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شاهد.
- عباس‌زاده، عطا‌علی، (۱۳۹۳)، شبکه‌های اجتماعی مجازی و نقش آن در سیاست، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور تهران.
- عبدالهیان، حمید و زهرایی، محمدرضا، (۱۳۹۷)، «مطالعه میدان سرمایه اجتماعی کاربران ایرانی اینستاگرام»، فصلنامه معرفت فرهنگی/اجتماعی، سال نهم، پاییز، شماره ۳۶.
- عدلی‌پور، صمد و قاسمی، وحید و قصابی، رضوان و طاهری، نقی، (۱۳۹۳)، «تأثیر استفاده از شبکه‌های اجتماعی فیس‌بوک بر اعتماد و مشارکت سیاسی جوانان»، مطالعات فرهنگی-ارتباطات، زمستان، سال پانزدهم، شماره ۲۸.
- علی‌پور، پروین و زاهدی، محمدجواد و شیانی، ملیحه، (۱۳۸۸)، «اعتماد و مشارکت (رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در شهر تهران)»، مجله جامعه‌شناسی ایران، تابستان، دوره دهم، شماره ۲.
- فلاح‌زاده، سید علیرضا، (۱۳۹۱)، ارائه چارچوبی برای افزایش اعتماد در شبکه‌های اجتماعی مجازی با رویکرد فنی-اجتماعی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- قاسمی، وحید، (۱۳۹۲)، مدل‌سازی معادله ساختاری در پژوهش‌های اجتماعی با کاربرد Amos Graphics، تهران: نشر جامعه‌شناسان.
- قدرتی، حسین، (۱۳۸۷)، بررسی تعیین‌کننده‌های بین‌نسلی و درون‌نسلی اعتماد اجتماعی: مطالعه موردی شهرهای مشهد و سبزوار، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه شیراز.
- گیدنز، آنتونی، (۱۳۷۷)، پیامدهای مدرنیته، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز.
- مصلحی‌نیک، فائزه و حاجیانی، ابراهیم، (۱۳۹۶)، «بررسی تأثیر فضای اجتماعی بر همدلی اجتماعی دانشجویان»، فصلنامه راهبرد اجتماعی-فرهنگی، سال ششم، بهار، شماره ۲۲.
- معمار، ثریا و عدلی‌پور، صمد و خاکسار، فائزه، (۱۳۹۱)، «شبکه‌های اجتماعی مجازی و بحران هویت (با تأکید بر بحران هویتی در ایران)»، فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، زمستان، دوره اول، شماره چهارم.

- منصوریان، محمد کریم و قدرتی، حسین، (۱۳۸۸)، «اعتماد اجتماعی و تعیین‌کننده‌های آن، رهیافت نهاد محور یا رهیافت جامعه‌محور؟ (مورد مطالعه شهر سبزوار)»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، تابستان، سال بیستم، شماره ۲.
- نصوحیان، محمدمهدی، (۱۳۸۷)، «نقش اعتماد تقابل حکومت و مردم در روند توسعه سیاسی»، *راهبرد یاس*، تابستان، شماره ۱۴.
- یوسفی، بهمن، (۱۳۹۳)، تأثیر سرمایه اجتماعی بر فرهنگ سیاسی دانشجویان و بررسی نقش آن‌ها در تحولات سیاسی (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه شیراز)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.

References

- Della porta, D & Diani, Mario, (1999), *Social Movements: An Introduction*, UK, Black Well Publishing.
- Diani, Mario, (2001), "Social Movement Networking", in frank Webster (Ed), *Culture and Politics in Information Age*, Uk: Routledge.
- Donovan, T & et.al, (2007), "Trust in Government: The Unites States in Comparative Perspective", www.edudonoat/trust.PDF.
- Grabner-Kräuter, S, (2009), "Web 2.0 Social Networks: The Role of Trust", *Journal of Business Ethics*, Vol. 90, No. 4.
- Hall, S., & Du Gay, P, (Eds.), (1996), *Questions of Cultural Identity*: SAGE Publications, Sage.
- Jacobson, J, (2006), *Islam in Transition: Religion and Identity among British Pakistani Youth*, Routledge.
- Jahangiri, J. & Sardarnia, K.A, (2016), "Using and Trusting in Media", *Type of Governance and the Political Trust of University Students: A Case Study*. J. Pol. & L, Vol. 9, No. 20.
- Sardarnia, Khalil & Safizadeh, Rasoul, (2017), "The Internet and its Potentials for Networking and Identity Seeking: A Study on ISIS", *Journal of Terrorism and Political Violence*, July 2017.
- Sherchan, W. Nepal, S. & Paris, C, (2013), "A Survey of Trust in Social Networks", *ACM Computing Surveys (CSUR)*, 45(4), 4.

- Vieira, A.L, (2011), *Interactive LISREL in Practice: Getting Started with a SIMPLIS Approach*, New York, Springer.
- Welter, F & Kautonen, T, (2005), "Trust, Social Networks and Enterprise Development: Exploring Evidence from East and West Germany", *The International Entrepreneurship and Management Journal*, Vol. 1, No. 3.